

زن در زندگی و نوشتہ های

صادق هدایت

أ.م.د. خيرية دماك قاسم

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

NOORALLH71@GMAIL.COM

الخلاصة :

ان الحياة الشخصية لصادق هدایت كانت فعلاً حياة خاصة به والقلة القليلة من الناس كانت على اطلاع على هذا الجانب من حياته، يقال انه عندما ول باريس قبل عدة اشهر من انتحاره كان في الحقيقة شخصية يائسة وبائسة وفاقدة للأمال بشكل كبير وكان بعيد عن كل ما يوحي بالحياة.

في اغلب قصصه توجد جوانب عجيبة ومحنة في علاقات المرأة بالرجل ولم يكن له اي تأثير او دور او تدخل في ذلك. شخصيات قصصه النسوية كانت وبشكل دائم اسيرة رغباتها الجنسية وليس هذا فقط في قصه (المرأة التي فقدت زوجها) وانما نجده امرأ واضحاً وجلياً في بقية آثارة ايضاً وكأنما موفقاً كثيراً في علاقاته مع النساء ويقول في آثارة (اتمنى ان تأتيني النساء) ولكنه بسبب خجله وحياه الدائم لم يكن ليرى لنفسه ان يذهب نحو احدهن ونقول له (كلا) .

الكلمات الافتتاحية: هدایت - الرمزية - الأنثى - البؤس - العقيدة - الشعر .

المقدمة:

يعتبر هدایت واحداً من ابرز الكتاب في العالم وقد قدم خلال دراسته الوافيه عن تاريخ ايران مفهوماً جديداً عن الوطنية .

كان العصر الساساني يحظى بأهمية خاصة عنده لذا تعلم اللغة البهلوية بمهاره وترجم اثراً عنها الى الفارسية.

حظيت اعماله بشهره واسعة وألفت عنه وعن مؤلفاته بحوث وكتب من قبل الكتاب والدارسين .

المبحث هذا مقسم الى ثلاثة مباحث

المبحث الاول، حياة هدایت و اخلاقه قدراسته وفته وآثاره.

المبحث الثاني، اهم الكتاب الذين تأثر بهم، عقائده ولغته.

المبحث الثالث، هو موضوع بحثنا هذا والذي نتحدث فيه عن هدایت وعلاقته

بالنساء

خلاصه :

زندگی خصوص هدایت یک زندگی واقعاً خصوصی بود عده خیلی کمی با این قسمت از زندگیش آشنا بودند می گویند که وقتی او به پاریس رسید چند ما هی قبل از خود کشی، واقعاً یک شخصیت خیلی نا امید شده بود، کاملاً نا امید وار واز زندگی دور است.

او بیشتر در داستا نه‌ای خود جنبه های عجیب ودر دناک از روابط زن و مرد مطرح است ووی تأثیر نداشته باشد.

شخصیتهای زن در داستا نه‌ای هدایت همیشه اسیر رغبتها جنسی خود می باشند واین فقط در داستان (زن که مردش را گم کرد) نیست بلکه در دیگر آثار هدایت بسیار روشن است. هما نگونه که یکی از شخصیتهای مرد داستانه‌ای هدایت که درباره عشق می گوید، زیان حال خود هدایت است، وی در روابطش با زنها زیاد موفق نبود ودر آثارش هم می گوید (من دلم می خواست زنها به طرفم بیایند) وی بخاطر حجب و حیائی که داشت کسی نبود که برود به طرف يك زن وزن به او بگوید (نه) .

پیشگفتار :

هدایت یکی از برجسته ترین نویسندگانی ادبیات جهان بشمار میرود ودر مطالعه کاملش از تاریخ ایران مفهوم نوین از وطن برستی را ارائه داد.

عصر ساسانیان برای او جذا بیت اهمیت خاصی دارد. از این رو زیان بهلوی را بامهارات یا دکرفت و آثاری از آن زیان به فارسی ترجمه کرده. وشایان ذکر است که کارهای هدایت شهرت عظیمی ووسعی یافت، ودر باره او ونوشتها وداستاتهای وی تعداد زیادی از نو یسند گان ودا نشجویان کتبی نوشتند.

این بررسی به سه مبحث تقسیم نمودم

مبحث اول: زندگینامه، هدایت و اخلاق و تحصیلات و هنر و آثار وی ضمیمه کردم.

مبحث دوم: صادق ومهمترین نویسند گان جهان که زیر تأثیر آنها بوده وسپس عقاید وزبان صادق ذکر کردم.

مبحث سوم: اختصاص دارد به هدایت وزنان می باشد که موضوع اصلی بحث ما

میباشد

خلاصه**فهرست منابع****واژه های کلیدی**

هدایات - سمبلیک - زن - بدبختی - عقیده - شعر

مبحث اول

زندگی‌نامه هدایت و اخلاق و تحصیلات و هنر و آثار وی

هدایت: زندگینامه صادق

صادق هدایت یکی از مشهورترین و برجسته‌ترین نویسندگان معاصر شمرده میشود و از خانواده اشرافی متولد شد. این خانواده از شمال مازندران به جای دیگر کوچ کرده است (از صبا نیا، ۱۳۵۷ ج ۱، ص ۲۶۱) (From saba to Nima)

وی در روز سه شنبه ۲۸ بهمن سال ۱۲۸۱ ش یا روز ۱۷ فوریه سال ۱۹۰۳ بدینا آمد (آژند، ادبیات نوین ایران، ص ۸۷) (Ajend: Modern Iranian literature)

نام او را به اسم معمول بزرگ خانواده نیر الملک جد بدری هدایت صادق نام نهادند. (ست غیب، نقد آثار صادق هدایت، ۳-۱۲) (Dastgheib, Criticism of Sadegh Hedayat's)

هدایت بیك خانواده اشرافی دار ای القاب افتخاری که مستقیماً ویا از راه وصلت به عالیترین و مهمترین مشاغل نظامی و بالاترین مقام دولتی وابسته بود تعلق داشت .

او بیشتر عمر خود را در تهران بسر برد و طولانی ترین سفر وی هنگامی است که برای تحصیل بفرانسه رفت، و در این کشور اوقات خود را بیشتر بسیر و گشت گذراند.

اخلاق او

هدایت کسی ایران دوست و وطن پرست بود. و این معنای خاص دارد. و طنش از هر چیزی بیشتر دوست داشت و هیچ ارتباطی با هیا هو و خود خواهی نداشت.

وطن پرستی او تقریباً شامل همهء عصور ایران است بویژه عصر ساسانی و بهمین علت قصه ی فراوانی او با فلکلور ایران است.

صادق هدایت تا حدی برای نژاد ایرانی خیلی متعصب بود. ان تعصب در بسیاری از آثار و نتاجات وی دیده میشود.

تحصیلات او

هدایت تحصیلات خود را در تهران آغار کرد، و آنرا در بلژیک و فرانسه از سال ۱۹۲۶ و تا سال ۱۹۳۰ ادامه داد (از نده، ادبیات نوین ایران، ص ۸۷) (Ajend, modern Iranian literature)

وی در شش سالگی به مدرسه-علمیه-سپزند او بس از بایان گرفتن آموزش دوره ابتدائی به دار الفنون رفت و تا سال سوم دبیرستان در آنجا درس خواندوی بس ازمدتی از برنامه درس ها خورد واز قیل وقال دلش گرفت، زبان فراسه خوب آموخت.

در سال ۱۳۰۴-۱۹۲۵ در مسابقه اعزام دانشجویان به اروپا شرکت جست وموفق شد. وبه اروپا روی آورد. در ابتدا برای آموزش عالی مهندسی وارد بلژیک شد. وی سال بعد با دانشجو یان دیگر برای تحصیل در دانشکده معماری به باریس فرستاده شد. اما انرا ولکرد وبه ادبیات دلبستگی کرد (دست غیب، نقد آثار صادق هدایت، ص ۱۴) (Dastoheib, Criticism of sadegh hedayet)

بس از برگشتن از اروپا در گروه ربه ادبی معروف در کافه رزنور شرکت جست پایه گذارن آن عبارتنداز مسعود فرزاد، مجتبی مینوی، بزرگ علوی علاوه بر پرویز خانلری سر دبیر نشریه سخن است (آزند، همان ماخذ، ص ۱۸) (Dastoheib, Criticism of sadegh hedayet)

علاوه بر آن صادق بی هیچ رغبتی تن به کار دولتی نداد مدتی در پانک ملی ایران کار کرد. جندی عضو اداره اقتصاد بودسپس به اداره موسیقی رفت وبامجله های موسیقی سخن وپیام نو همکاری داشت و تا آخرین سالها مترجم دانشکده است (استعلامی، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۱۱۵). (today's literature Review, Iran)

آثار صادق

در پاره صادق میتوان گفت:

آثار هدایت خیلی زیاد ورنکارنك است. اغلب مضامین آن ملی گرایي وواقع گرای هستند برخی از آنها تلخ نگری زحالت درونی خود وواقع ابراز میدا شتند (آزند: ادبیات نوین ایران، ص ۱۱۳) (Ajend, modern Iranian Literature)

فعالیت ادبی هدایت درسالهای (۱۳۱۹-۱۳۰۹)-(۱۹۴۰-۱۹۳۰) شروع گشت. اما در سال های (۱۳۲۰-۱۹۲۱) میلادی به بعد با روشنتر شدن آفاق هنر وادبی. هدایت ازلاك تنهائی خود بدر آمد. وبه فعالیتهای آن روزها نگشت. وی با کوشندگان راه آزادی و هنر مندان پیشرو همدلی و همراهی کرده است. (دست غیب: همان ماخذ، ص ۱۴) (Dastgheib)

داستا نهایی سگ ولگرد ۱۳۲۱ وحاجی آقا ۱۳۲۴ فردا ۱۳۲۵ وتوب مرو ارید که واقعیت های اجتماعی را منعکس میساخت از طریق آن مستقیم یانا مستقیم از سیمای زشتکاران را فاشن میکرد (همان ماخذ، ص ۷-۱۶) (Dastgheib)

علاوه برآن حالت تلخ نگری در آثار اوسه قطره خون زنده بگور. آفرینگان تخت ابو نصر خیلی نمایان است (سپانلو: نویسنده کان پیشرو ایران، ص ۹۷). (Sepanloo, Iran's leading writers)

اغلب آثار دوردور احوال و اعمال طبقات محروم و بینوامی چرخد. و آثار این نویسنده که معلم اول قصه نویسان جدید به شمار می رود. آمیزه ای از یک دید فلسفی و عرفانی بدبینی طنز انتقادی و اجتماعی تند. گرایش به باکی های از دست رفته با ستان و جسنجو در فرهنگ رسوم و آداب عوام بود (همان مأخذ، همان صفحه ۷). (Sepanloo, Iran's leading writers)

مضامین نتایج هدایت از درون واقع انتخاب نمود. و با روش مخصوص یک محیط تازه مهرماتان کشف نمود. وی توانست در داخل انگیزه های واقعی و روانی نفوذ کند.

علاوه براین توانسته است. که به واقعگیری از طریق طنز نویسی و انتقاد نشان دهد.

صادق ستایشگر خیام و کافکار مضامین اجتماعی خود را آزمود کار هدایت رابایستی آوج ادبیات ایران بحساب آورده او شکسیر-مارلو-جانسون ولی در عصر خود علاوه برآن بزرگترین نابغه ادبی معاصر ایران است (همان مأخذ، ص ۱۲۰، ۱۳۱). (Sepanloo:iran's leading writers)

او یک از ملیگرایان ایران شمرده شد.

هوس تاریخ گذشته میان نویسندگای معاصر و بویژه هدایت خیلی رواج داشت. اینها چیز های معتبر را در باره زردشت کوروش قباد انو شیروان و مزدک زندیتی نوشتند (شفق: تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، ص ۳۲۱). (Shagag, the history of Iranian literature)

صادق دراین زمینه چند نمایشنامه دارد مانند پروین دختر ساسان. مازیار. یکی از مهمترین و برجسته ترین آثار او که حالات درونی انسان و خود صادق هدایت تجسید کرد بوف کوراست. بوف کوریک سمبول است. این اثر معروف او دار ای جنبه بدبینی و عرفانی باشد. (ازند: همان مأخذ: ص ۱۱۳). (Ajend)

هدایت از سختی واقع تن و جان خود را به شراب خورک مصنوعی. افیون و مواد مخدره تسلیم نمود (استعلامی: بررسی ادبیات اموز ایران، ص ۱۱۶). (Estlami, today's literature)

(Review)

مبحث دوم

صادق ومهمترین نویسندگان جهان وعقاید وزبان خود

صادق وبرجسته ترین عظمای ادبیات

صادق قریحه سرشار والهام از خداوند تعالی در ادبیات داشت. وی از روزها جوابی استعداد نا محدود در این زمینه پیدا کرد. از اعمال بزرگترین نویسندگان وشعرای ایران وجهان استفاده نمود وتحت تأثیر افکار آنها واقع گردید وبویژه قلمزنان بزرگ فرانسه هستند.

نویسندگان معروف استیفن تسوایک. چخوف وداستایوفس نظرش را جلب کردند.

ولی نویسندگان محبوب وی ادگار الن پو-موپاسه ولی عافک بودند. شاید توجه است. که از آثار ونتاجات آنان خیلی چیزها یاد گرفت که برای هنرش خیلی ارز شمند بوده. وحتى الهام آثار مهمش را از آنها گرفت هرگز روش تقلید سهل الوصولی رابیش نگرفت در پیام کافکا نظرات واره خود را در باره نقش کافکا در ادبیات نوین جهان ابراز نمود.

از این رو کافکا معانات وقلقگیری انسان معاصر را در آثار وی تجسید نمود.

علاوه برآن در میان نویسندگان وگوندگان محبوب هدایت خیام شاعر بدبینی کلا سیک ایران است. البته تحت تأثیر نوامیدی خیام واقع گردید واز تعصب وتجسید عظمت ایران در مقابل توانائی کشور های دیگر الهام بخشید.

به خیام عشق ورزید با حافظ شیرازی حالی داشت.

مکتبهای هندی بودایی وبوگا-جوکما-رابسیاری پسندید.

در هند بیکرهم کوچکی از بودا خریده بود که آنرا همیشه روی میز کارش می گذاشت. علاوه برآن افکار سارتر و بو علاء المعری را خیلی پسندند.

صادق وعقاید

در زمینه دین ومذهب وعقیده افکار او ثابت وروشن نیست در باره آن میتوان گفت: فردی آزاد اندیشه بود فکر خود را در چارچوب معنی محصور نکرده بود. او از مذهب از هرکیش ازهر آندیشه. آنچه رازیبامیدید. میپسندید انتخاب وبکار میبرد.

هرچه را که نسبت به دنیای زیبائی برستی وبشر دوستی خود بیگانه مییافت به شدت ازخود میراند. وی به انین مزد بستی توجه داشت برای این بود که

او در زندگی (پندارنیک-گفتارنیک-کردارنیک) را اشعار خود را قرار داده بود. رشته ای که وی رابا خانواده میپوست دینی بود. البته دین اسلامی است. این دین ظاهراً همیشه بردوش او سنگینی است.

زبان صادق هدایت

زبان صادق هدایت زبان شیرین و سلیس و خالی از ابهام و تکلف است. در زمینه زبان نو آوریهای او تا حد زیادی یادش است. او در زمینه مزبور استاذ زبان فارسی نوین است. و آثار او گنجینه ای از مفاهیم اصطلاحات و واژه های زبان محاوره ای گشت که مصطلحات و واژه های عامه مایه گرفت (قائمیان، دریا، هدایت، ص ۴-۲۱) (Ghaemian, about hedayat)

مبحث سوم

هدایت و زنان

زن در زندگی و نوشتههای هدایت

صادق در طول سنین عمر خود هرگز زن نگرفت و تنهائی را برآن برتری داد. البته میتوان گفت زیر تأثیر افکار، فروید قرار گرفت و مجرد ماند و زنهای دیگر همانند مادر برای او از لحاظ جنس حرام شده بودند بازهم زیر تأثیر افکار ابو العلاء المعری شاعر برجسته عربی واقع گشت زیرا ابو العلاء المعری هم طول زندگی او ازدواج نکرد، افکار المعری را مورد تأیید گشت و آنرا خیلی پسندید صادق بد بینی ابو العلاء المعری را مورد تأیید قرار میدهد .

می بینیم که بسیاری از آثار هدایت به زنان ایرانی و سرنوشت تیره آنها و محرومیت سنگین مادی و حقوقی شان اختصاص دارد، او در فکر زنهای زجر کشیده ای است که سالیان طولانی به جرم زن بودن، زیر تا زیانه، استبداد مردانه خانه نشینی شده اند و کاری بجز برآوردن کام دل مردان ندارند. زندگی بر نکبت و زجر شان همواره در طول تاریخ تکرار می شود آنقدر که جزو مسایل عادی گشته است زنانی که جز دنیای محدود و زننده، خود خبری از وجود دنیای دیگر ندارند. دنیای که در آن نه کنیز بدون برخورداری از هیچ گونه حقی، بلکه همسر و مادر است با دارا بودن همان میزان حقی که مردان دارند، نمونه بارز این تفکر در داستانهای (زنی که مردش را کم کرد) یا (ابجی خانوم) یا (حاجی مراد) متجلی است. صادق هدایت بدبختی و زشت انرابس از کشف جسدش اینطوری توصیف کرد.

(صورت او یک حالت با شکوه ونورانی داشت مانند این بودکه او رخنه بود بیک جائی که نه زشتی و نه خو شگلی نه عروسی و نه گریه و نه شادی و نه آندوه در آنجا وجود نداشت. علاوه برآن بچه نیارودن دلیل کافی است، برای طلاق یا بخانه آوردن زن دیگر زن پیوسته دراین بیم پسر: میبرد که شوهرش او را طرد خواهد کرد و او ناجار است، که با آوردن صیغه بخانه رضایت بخشد.

داستان (طلب آمرزش) ازسه قطره خون به وضع اسارت آمیز زنان ایرانی درخانهء شوهر وتعدد همسرها در رمان- حاجی آقانشان داده است (هدایت: سه قطره خون، ص ۷۵-۶۲). (Hedayat, the three drops of blood)

((اگر میخواستم ازین راه هاترقی کنم یک زن خوشگل امروزه بسند. میکرتم لباس شیک تنش میکردم. میبرد مش مجلس رقص می اندا ختمش توبغل گردن کلفتها تا باهاش برقصند یا قمار بازی بکنند" ... (همان مأخذ، ص ۴-۱۳). (Hedayat, the three drops of blood)

علاوه برحالات دیگر است که در داستان زنی که مردش راگم کرد از سایهء روشن خیلی نمایان و آشکار است.

بسیاری از آثار هدایت به زنان ایرانی و سرنوشت تیرهء آنها و محرومیت سنگین مادی و حقوقی شان اختصاص واداست.

هدایت بنظر خود زن در اجتماع همان زمان تقریباً از همهء حقوق محروم بوده بازهم زنان درمیان خانوادهء خودمانند عیال ویا ما درانی هستند که از کلیهء حقوق برخوردارند .

اما نظر هدایت که بیوسته به زن، عشق، شهوت و صف رابطه جنس که بر زبان قهرمانان خود آمده. همینطوری به آن نشان داده است .

البته هدایت بیشتر زمان ها بایک صدا سخن میگوید. بویژه این نکته به هنگامی که وی به وصف رابطه جنس زن و مردی میپردازد. بهتر آشکار است. دیده میشود. در این مسئله نظر منفی داشته در داستان تجلی زن تن فروش که زن پیر از او در خواست وصال می کند. میگوید:

((کمشو! خجالت نمی کشی؟ خاک برسرت توکه مرد نیستی همون یه دفعه هم که آدمم ازسرت زیاد بود!)) (همان مأخذ، ص ۴-۱۳). (Hedayat, the three drops of blood)

هدایت دلایل مختلف را در باره این حالت بوسیلهء آثار او مطرح نمود. وهر خواننده یا منتقد میتواند آنرا از درون آثارها در بیاورد بویژه از سگ و لگرد،

سایه روشن. سه قطره خون بوف کور)).. (دست غیب: نقد آثار هدایت، ص ۱۶۰). (Dastgheib, Criticism of Hedayet's works).

عشق قهرمانان آثار هدایت یا شخص هدایت عبارت از عشق به یک تصویر اید الی یک عشق موهوم است. که در ذهن خود مرد وجود دارد. البته این ناشی از افکار اید آلیستی وی است.

فهرست منابع

۱. آرين پور، يحيى: از صباتا نيم (دو جلد) جلد اول، چاپ پنجم، چاپخانه سبهر، تهران ۱۳۵۷.
۲. آژند، ادبيات نوين ايران، ترجمه و تدوين، يعقوب آژند.
۳. استعلامي: محمد، بررسي ادبيات امروز ايران، چاپ پنجم انتشارات امير كبير، تهران ۲۵۳۶ س.
۴. دست غيب، عبد العلي، نقد دبررسي آثار صادق هدایت جاب تابش، تهران.
۵. سچاتلو، نويسندگان پيشرو ايران.
۶. شفق، تاريخ ادبيات ايران ج ۴.
۷. صفا، ذبيح الله صفا، مختصر در تاريخ تحول و نظم و نثر فارسي، چاپ پنجم، تهران، خرداد ماه ۳۳۸ اش.
۸. قائمقاميان، درباره صادق هدایت، چاپ سوم، چاپخانه کاوياني، تهران ۱۳۶۳.
۹. هدایت، سه قطر، خون. ص ۶۲-۷۵.

فهرس المصادر

۱. آرين پور، يحيى: از صبا تا نيم (مجلدان) الجزء الأول، الطبعة الخامسة، مطبعة سبهر في طهران ۱۳۵۷.
۲. آجند، ادبيات نوين ايران، ترجمه و اعداد، يعقوب آجند.
۳. استعلامي: محمد، بررسي ادبيات امروز ايران، الطبعة الخامسة، دار نشر اميركبير في طهران، سنة ۲۵۳۶ الملكية.
۴. دستغيب: عبد العلي، نقد و بررسي آثار صادق هدایت، دار نشر تابش، طهران.
۵. سچانلو، نويسندگان پيشرو ايران.
۶. شفق، تاريخ ادبيات ايران، ج ۴.
۷. صفا، ذبيح الله صفا، مختصر تاريخ و تحول نظم و نثر فارسي، الطبعة الخامسة، طهران، حزيران ۱۹۵۰.
۸. قائمقاميان، درباره صادق هدایت، الطبعة الثالثة، مطبعة كاوياني، طهران ۱۹۸۴.
۹. هدایت، سه قطره خون.

References

1. Areenpoor, Yehya: Az Saba Ta Nima (2 vol.), vol. 1, 5th ed., Sabhar Press, Tehran, 1357.
2. Ajend, Adabeyat Nueen Iran, Translated & Prepared by Yaqoob Ajend.
3. Isti'lami, Mohammed, Barrasi Adabeyat Amrooz Iran, 5th ed., Ameer Kabeer Publishing House, Tehran, 2536 (Royal Calendar).

4. Dastagheeb, Abdul-Ali, Naqd wa Barrasi Aathar, Sadeq Hedayat, Tabesh Publishing House, Tehran.
5. Sejanlo, Nawisandigan Peshro Iran.
6. Shafaq, Tareekh Adabeyat Iran, vol. 4.
7. Safa, Thabeehullah Safa, Mukhtasar Tareekh wa Tahawul Nadhm wa Nathr Farsi, 5th ed., Tehran, June, 1950.
8. Qaimaqamiyan, Darbarah Sadeq Hedayat, 3rd ed., Kawiyani, Tehran, 1984.
9. Hedayat, Sa Qatra Khoon.

Abstract

The personal life of Sadeq Hedayat was a special life, only a few people knew about this side of the life. It was said that when he reached Paris just a few months before he committed suicide he was already desperate, miserable and extremely hopeless. He showed no signs of interest in life. In most of his works, he expresses strange and sad sides in the relationships between man and woman; in which he had no influence over.

His female casts were always imprisoned by their sexual desires, this is not only the case in his novel (The Woman That Lost Her Husband) but was also obvious in his other works, it is as if the character in his novels represent himself, because he was not very successful in his relationships with women. In his world he expresses that (he wishes for women to come to him) but because of his shyness and pride he did not allow himself to approach them and be rejected.

Keywords : Hedayat, symbolism, female, misery, belief, poetry